



کارگران جهان همبسته شوید

گاهنامه

شماره 145 * 7 مرداد 1388 * 16 آگوست 2009

بیانیه ی اعلام مواضع – شماره یک

اتحاد هواداران سازمان های چپ و کمونیست ایران (داخل کشور)

ای که می توان برای انشعابات فراوان و سرخوردگی نیروهای سیاسی برشمرده شاید همان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان اردوگاه سوسیالیسم واقعا موجود باشد. با فروپاشی شوروی، امپریالیسم در نبود رقیب و آلترناتیو آن شروع به صعود و اوج گیری بر تمام عرصه های جهانی نمود. این قدرت گرفتن و خیزش ضد انقلاب و راست جهانی در ابتدا باعث سرخوردگی نیروهای سوسیالیست جهان شد و سازمان ها و احزاب کمونیستی در ایران نیز از این قاعده مستثنا نبود اما فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی وجهی امید بخش برای نیروهای مستقل سوسیالیست هم داشت که این نیروها فارغ از بلوک بندی رایج سیاسی دوران جنگ سرد فریاد مستقلشان را علیه راست فراز آمده بر آوردند و این جنبش وارد نوعی سیالیت شد تا دوباره خود را- هر چند به آهستگی- بازسازی کرده و در مقابل سرمایه داری جهانی به مقاومت بپردازد.

جنبش چپ ایران پس از آن سرکوب های گسترده و خفقان و سکوت سال های بعد از آن دوباره در دانشگاه جوانه زد و ابتدا در دل نهاد های رسمی دانشگاه فعالیت خود را نیرو بخشید و از آن پس نشریات خود را به صورت مستقل منتشر کرد و به هسته های مطالعاتی اش در دانشگاه شکل داد و توانست در اعتراضات دانشجویی پیشگام بوده و خط سیاسی خود را از سایر نیروها جدا نماید. همچنین به موازات رشد جنبش چپ در دانشگاه، فعالین کارگری نیز تشکل های خود را برای سازماندهی جنبش طبقه ی کارگر سامان دادند و بدین ترتیب بود که چپ دوباره برآمد و امروز نیرویی موثر در میان جنبش های اجتماعی دیگر به شمار می رود.

تحولات اجتماعی پس از انتخابات نمایشی جمهوری اسلامی و کودتای یک جناح علیه جناح دیگر نشان از رویش جوانه های خیزش انقلابی توده ها دارد و بار دیگر قدرت انقلابی جنبش توده ها، نوری تازه در دل

جنبش سوسیالیستی ایران، جنبشی ریشه دار در تاریخ معاصر ایران است. این جنبش نقشی مهم و انکارناپذیر در دو انقلاب معاصر ایران داشته است اما متاسفانه در نقطه عطف های تاریخ معاصر به شدیدترین وجه سرکوب شده است و این جنبش بهترین یارانش را برای تحقق سوسیالیسم فدای این آرمان درخشان و ضروری بشری نموده است. گذشته از نقدهایی که بر این جنبش وارد است. ما همیشه شاهد یک نوع هیستری چپ ستیزی از جانب احزاب دست راستی، ملی... و همچنین محققین و مورخین به اصطلاح خودشان بی طرف، بوده ایم. به گواه تاریخ، هیچ جنبش سوسیالیستی در جهان به اندازه ی جنبش سوسیالیستی ایران به وسیله ی حاکمیت های مستبد و دیکتاتور سرکوب نشده و در هیچ جای جهان به اندازه ی این جنبش از طریق نیروهای به اصطلاح خودی به آن خیانت نشده است.

اما این جنبش سخت ترین سرکوب را در زمان به قدرت رسیدن ضد انقلاب و توسط آن بعد از قیام 57 از سر گذرانید. جمهوری اسلامی تعداد بی شماری از نیروهای سوسیالیست را از دم تیغ گذراند و متاسفانه در این سرکوب بخشی از سازمان هایی که خود را منصوب به جنبش سوسیالیستی می دانستند به وسیله ی آن ها و از طریق همکاری با ضد انقلاب مسلط شده انجام شد و از پشت به این جنبش خنجر زدند اما در میانه ی سرکوب شدید جنبش و رهبران، احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی در مقابل ضد انقلاب تا آخرین حد توان و امکان قد علم کرده و به مبارزه با ضد انقلاب برخاستند اما در نهایت به علت قدرت عوام فریبی ضد انقلاب و مسلح بودن آن به سلاح سرکوب، باقی مانده ی رهبران و کادرهای سازمان ها مجبور به جلائی وطن و مهاجرت شدند و در آنجا مبارزات خود را به شیوه های مختلفی پیگیری کردند. اما متاسفانه وجه دیگر این سرکوب انشعابات فراوان و سرخوردگی نیروهای سیاسی بود و همچنین یکی دیگر از دلایل عمده

صورت امکان نقد و بررسی شفاف آنان وجود ندارد. اما مشکل اساسی به نظر ما آنجاست که این محدودیت‌ها باعث شده زمینه‌های مشترکی را که سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی چپ و کمونیست می‌توانند در حیطه‌ی آن به بحث و گفتگو بپردازند و همکاری‌هایی در سطوح مختلف را شکل دهند را نیز تحت تاثیر منفی قرار داده است و هر گونه همکاری‌ای به سختی راه خود را می‌پیماید. این معضلات متأسفانه در داخل کشور و میان هواداران سازمان‌های سیاسی هم بازتاب پیدا کرده است. تجربه‌ی ما در مشارکت و حضور در سطح جنبش کارگری و دانشجویی به ما نشان داده است که هواداران گروه‌های سیاسی چپ و کمونیست هنوز نتوانسته‌اند به تفاوت فضای کنش سیاسی خود با نیروهای خارج از کشور و در سطح کادرهای سازمان‌ها پی ببرند و یا هنوز توجه کافی به آن نشان نداده‌اند. تجربه‌ی حضور ما در تشکل‌های کارگری و دانشجویی نشان داده است که بعد از سرکوب رژیم و محدودیت‌های ناشی از آن، رقابت‌های ناسالم هواداران گروه‌های سیاسی در این تشکل‌ها مهم‌ترین عامل انحراف و شکست یا تضعیف این تشکل‌ها بوده است.

اتحاد هواداران سازمان‌های چپ و کمونیست ایران (داخل کشور) با فراخوان برای آسیب‌شناسی معضلات پیش‌گفته و برای دست‌یابی به اتحاد پایدار نیروهای سیاسی چپ و کمونیست اعلام موجودیت می‌کند و مواضع خود را به تدریج به صورت بیانیه اعلام خواهد کرد.

تلاش ما هنگامی به بار خواهد نشست که همه‌ی گروه‌ها و سازمان‌های موجود در سطح جنبش کمونیستی با برخوردی مسئولانه و فعال خود را در این امر مهم مشارکت دهند. انتقادات و حمایت‌های همه‌ی فعالان جنبش کارگری و کمونیستی مشوق راه ما خواهد بود.

اتحاد هواداران سازمان‌های چپ و کمونیست ایران (داخل کشور)

www.ehavadaran.blogspot.com

www.ehavadaran.blogfa.com

1388/4/25

اتحاد، مبارزه، پیروزی

وبعد

برقراری سوسیالیسم

های انقلابیون تاباند. در این میان ضرورت شکل‌گیری یک آلترناتیو چپ کمونیستی برای سازماندهی این جنبش هر روز بیشتر حس می‌شود، چرا که اگر طبقه‌ی کارگر به عنوان یک آلترناتیو به طور موثرتری وارد منازعه‌ی جنبش توده‌ای شود تکلیف‌نهایی سرنگونی جمهوری اسلامی را تعیین خواهد کرد. ما معتقدیم که در یک پراتیک انقلابی و اجتماعی سازمان‌ها و احزاب چپ کمونیستی به سمت تجانس و وحدت و حتا تشکیل حزب کمونیست پیش می‌روند و این جمع (اتحاد هواداران) نتیجه‌ی پراتیک انقلابی و اجتماعی بخشی از جنبش توده‌ای است که خواهان متشکل شدن است.

اتحاد هواداران سازمان‌های چپ و کمونیست ایران (داخل کشور) موجودیت خود را حاصل هم‌اندیشی و پیگیری جمعی از هواداران سازمان‌های کمونیستی می‌داند که در پروسه‌ی طولانی‌اندیشه‌ی حل معضلات جنبش کارگری و کمونیستی را برای خود ترسیم نموده است. گرچه قبل از ما بسیاری از احزاب، سازمان‌ها و نیروهای موجود در جنبش کمونیستی بر اساس احساس مسئولیت و در جهت حل بیماری تشلت و پراکندگی اقدامات نظری و عملی متعددی را در سطح جنبش کمونیستی ارائه داده‌اند. ما نیز بر اساس آگاهی و علم به این بیماری و همچنین تلاش در جهت اتحاد عمل سازمان‌هایی که رسالت خود را مبارزه‌ی متشکل برای آزادی طبقه‌ی کارگر می‌دانند، پای به عرصه‌ی مبارزاتی گذاشته‌ایم.

اتحاد هواداران سازمان‌های سیاسی در وضعیت کنونی معنای خاص خود را دارد و به طور روشنی با اتحاد سازمان‌های سیاسی متفاوت است. آن معنای خاص پیش‌گفته در واقع به فضای استبدادزده‌ی سیاسی کشور ایران مربوط می‌شود که سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون توان‌مانور اندکی در داخل کشور پیدا می‌کنند چرا که هر لحظه خطر سرکوب شدید از سوی حاکمیت سیاسی تهدیدشان می‌کند. اگرچه تاکنون بحث‌های فراوانی درباره‌ی سبک‌کار در سطح جنبش کمونیستی ایران صورت گرفته است اما به نظر ما تاکنون نتوانسته است به نتیجه‌ی ملموس و قابل اتکا برای جنبش دست یابد. اما آسیب‌شناسی وضعیتی که از آن یاد کردیم خود دچار مشکلات ویژه‌ای هم هست. بخشی از مباحثات قابلیت نشر علنی ندارند و در حلقه‌ی یاران گروه‌ها و سازمان‌ها باقی می‌مانند و همچنین تا جایی که ما اطلاع داریم مناسبات سازنده و شفاف هم میان گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی چپ و کمونیست وجود ندارد و تلاش‌هایی هم که تاکنون صورت گرفته است با نهایت تأسف به دلایل نه‌چندان واضح و روشنی به شکست انجامیده است. البته همان‌طور که ذکر شد بخشی از مسائل به علت ضربه‌پذیری سازمان‌های سیاسی و سوء استفاده‌ی رژیم اسلامی به طور کلی غیرقابل طرح هستند و بدین

تشکیل تشکل " اتحاد هواداران سازمانهای چپ در ایران "

یا

سازماندهی غیر متمرکز هواداران سوسیالیسم در ایران

سوسیالیستی؟ بر سر یک برنامه سوسیالیستی نمی توان به توافق رسید مگر آنکه پیرامون آن بحث کرد. سیاست چنین حزبی در رابطه با نقش حزب و دولت چیست؟ چه تعریفی از طبقه کارگر دارد؟ آیا معتقد به حق مردم در تاسیس دولت است؟ یا می خواهد همه قدرت را به شورا ها بسپارد؟ به کدام شورا باور دارد؟ مسئله ارضی را چگونه می خواهد حل کند؟ مالک زمین اوست که میکاردش؟ یا اعتقاد به تشکیل مزارع ملی دارد؟ کدام سیاست ملی کردن سرمایه ها و املاک خصوصی را دارد؟ درک و دیدش از مناسبات حاکم اقتصادی در ایران چیست؟ این سوالات و بسیاری سوالات دیگر حداقل بایستی بحث شده باشند. معتقد نیستم که جوابهای گوناگون بایستی حتماً عامل جدایی باشد. در یک حزب سیاسی سالم میتوان و باید نظرات گوناگون داشت اما سابقه عدم تحمل در جنبش چپ ایران به حدی است که حتی انشعابات بی دلیل نیز روی می دهد تا چه رسد به کوهی از مسائل موجود و ناروشن در برابر طرفداران حزب واحد و سراسری. کسانی که خواهان تشکیل یک حزب سراسری کمونیستی یا اتحاد هواداران سازمانهای سیاسی هستند در بهترین حالت یک حزب یا جبهه ضد استبدادی چپ خواهند ساخت که از آغاز با نفوذ عوامل پلیس خنثی میشود.

تشکیل هر گونه تشکل سیاسی متمرکز و هرمی در شرایط پلیسی اگر اسمش را خودکشی نگذاریم، امری است بسیار خطرناک. اگر میتوان با ایجاد هسته های جداگانه و غیر مرتبط وظایف عاجلی مثل سازماندهی تشکلات کارگری، سازماندهی جنبشهای اعتراضی، تهیه و دامن زدن به مباحث سیاسی - اقتصادی را پیش برد چه نیاز مبرمی است به پیوند این حلقات و محافل در داخل و تشکیل یک تشکیلات هرمی؟ در صورت لزوم می توان هماهنگی ها، خبر رسانی ها و تبادل نظرات بین حلقات غیر مرتبط را توسط سازمانهای سیاسی در خارج از کشور یا از طریق سایتهای اینترنتی انجام داد.

تشکیل تشکلات هرمی اسمش چه حزب باشد چه اتحاد هواداری سازمان های چپ، تنها کار پلیس رژیم در شکار انقلابیون را آسان میکند.

آنچه مهم است این است که هواداران سازمانهای چپ، جدا از تعلقات سازمانی، در حلقات جداگانه؛ غیر هرمی و آنگونه که خود تشخیص می دهند آگاهی سوسیالیستی و ضد استبدادی را به میان کارگران و مردم ببرند، کارگران و تهیدستان شهر و روستا را در پیشبرد اهداف صنفی -

اخیرا خبر از تلاش های متعددی در راستای اتحاد هواداران سازمانهای سیاسی در ایران بگوش می رسد و تقاضا از سازمانهای سیاسی برای اتحاد و یا ائتلاف با یکدیگر فزونی یافته است. سرکوب خشن جنبش ضد استبدادی مردم این مهم را، بخصوص در ایران، در مقابل فعالان اجتماعی - سیاسی میگذارد که چگونه و توسط چه نیرویی میتوان سد سیاه استبداد را شکست و بیشک و باز بدرستی مشکل نبود یک چپ قوی در ایران که بتواند جنبشهای اعتراضی و کارگری را سامان و تشکل دهد بیش از پیش احساس میشود.

سخن از نبود و ضعف چپی است دمکرات، انقلابی و کارگری. چپی که بتواند با سازماندهی جنبش کارگران، بیکاران و تهیدستان شهری و روستا و جنبش های ملی سنگرهای شکسته شده ضد استبدادی و طبقاتی را بازسازی کرده و مبارزه طبقاتی را با مبارزه ضد استبدادی گره زند. چپی که به دمکراسی احترام بگذارد و جنبش انقلابی را مرحله بندی نکند. چپی که از هم اکنون تلاش کند جامعه و رفورمهای آن را سمتگیری سوسیالیستی دهد، یا به بیان دیگر از اکنون برای سوسیالیسم در هر جبهه ای برزند. همیشه در تلاش باشد که کارگران را سازمان دهد، به کارگران و ارگانهای آنها در تشکلات اجتماعی امکان ابراز وجود دهد، آگاهی سوسیالیستی را هرچه بیشتر به میان کارگران و تهیدستان شهری برسد و از همه مهمتر از میان کارگران و تهیدستان شهر و روستا عضو گیری کند و در میان آنها ریشه بدواند. چنین چپی نباید بی اعتنا به جنبش ضد استبدادی باشد. چنین چپی بایستی بتواند جنبش ضد استبدادی را سمت و سو دهد. از تازاندن بی هدف جنبش ضد استبدادی احتراز کند و یا از سوی دیگر شیفته جنبش ضد استبدادی نگشته و انگشت بر دهان، مات و مبهوت نماند.

آیا چپ در ایران برای پیشبرد امر خطیر خود نیاز مبرم به حزب فراگیر و سراسری دارد؟ واقعیت این است که در شرایط پلیسی ایران حزب سراسری کمونیست یا تشکل اتحاد هواداران آن امکان شکل گرفتن ندارد و در اولین قدم با نفوذ پلیس امنیتی از هم پاشیده و کادرهای آن بیهوده به سلاخ خانه فرستاده خواهند شد. احزاب ایرانی خارج از کشور از گزند نفوذ و تلاش رژیم برای ایجاد اختلاف و انشعاب در امان نیستند تا چه رسد به داخل کشور.

نکته مهم دیگر این است که بر چه مبنایی میتوان حزب کمونیست یا حزب چپ ساخت؟ بر پایه اشتراکات یا بر اساس یک برنامه

سیاسی یاری دهند. تا آنجا که می توانند آگاهی سیاسی- اجتماعی خود را بالا ببرند و در بحثهای سیاسی و اقتصادی شرکت کنند، برای احزاب چپ ایرانی در خارج اخبار ارسال کنند و وجود و امنیت خود را مهمتر از هر چیزی بدانند. جنبش چپ نیازی به قهرمان ندارد. آنچه جنبش چپ به آن نیاز مبرم دارد، پایه و پایگاه اجتماعی بیشتر در میان کارگران و مردم ایران است. ایجاد، احیاء و تبلیغ مواضع چپ در مراکز تولیدی، مناطق مسکونی کارگری، مدارس و دانشگاهها بلاشک باعث ریشه یافتن چپ شده و بذریجاد یک تشکل سیاسی مهم و کارگری را خواهد کاشت

تشکیل حزب و بلند کردن پرچم کارگری امری مثبت است و بارها و بارها در ایران روی داده است. اما آنچه مورد نیاز مبرم است افشاندن بذری است که سبب نمو و پدیداری سازمان سترگ کارگری و دمکراتیک شود

در خارج از کشور نیز احزاب و نیروهای سیاسی چپ بایستی پیرامون بسیاری از اشتراکات با یکدیگر همکاری کنند و تلاش نمایند تا حق خود را در تشکیل اتحاد وسیع هواداران سو سیالیسم ایفا کنند.

20 ژوئیه 2009

حمید موسوی پوراصل

نتیجه کارکنترل کارخانه توسط کارگران، در یکی از کارخانه های بحران زده ایران (چینی گیلان)

سرانجام پس از کش و قوس های فراوان و " تحمل شرایط بسیار سخت " و غیر قابل تحمل کار تحت کنترل خود کارگران و نمایندگان منتخب آنان ، عمدتاً به دلیل مشکلات فراوان - و در صدر آن عدم وجود نقدینگی لازم توسط کارگران ،جهت اداره کارخانه و جریان کامل تولید و توزیع محصولات آن و موانع عیدیه ای که ارگانها و نهاد های متعدد و رنگارنگ سرمایه داری و مدافع سرمایه - اعم از خصوصی و دولتی - در سر راه و مسیر خودپرو و مستقل کارگران این کارخانه ایجاد می نمودند، در مجموع به علت ناتوانی در ادامه کار و تولید در کارخانه، با توافق اکثریت قریب به اتفاق کارگران، در یکی از مجامع عمومی آن ، با شرایطی که در گزارش یکی از کارگران کارخانه ، در ذیل این مختصر منعکس شده است - به تنی چند از سرمایه داران فروخته شد

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارهای سخت و زیان آور نیز در صورت ادامه کار شامل بخش قابل توجهی از کارگران خواهد شد.

بهرحال اگر بخواهیم نتیجه گیری از فرآیند کار از زمانیکه کارگران کارخانه را از طریق خود و وام دریافتی در قالب شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی از زیر چتر اداره تصفیه و ورشکستگی خارج و به تملک خود در آوردند تا مرحله فروش و واگذاری آن به خریداران جدید ، تجربه بسیار با ارزش بوده است و اینکه اگر چنین حرکتی صورت نمی پذیرفت بدون شک مبلغ بسیار ناچیزی از فروش کارخانه به کارگران می رسید ، یعنی یک دهم سنواتشان . بهر حال نه تنها کارگران از زمان ورود خود به کارخانه به اعتقاد من ضرر نکرده اند بلکه تا حدود قابل توجهی از مطالبات سوخته شده خود را دریافت می کنند ، شاید کارگران به همه هدف های از پیش تعیین شده خود دست نیافته باشند و نتوانسته اند با برنامه ریزی مدون با بحران های ناشی از آن برخورد کنند ولی در مجموع توانستند با حضور خود و تحمل شرایط بسیار سخت به بخشی از حقوق از دست رفته خود دست یابند.

این نوشته از طرف یکی از کارگران کارخانه چینی گیلان می باشد که بدون دخل و تصرف عیناً برای شما آورده شد . یکی از کارگران کارخانه چینی گیلان

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

www.komitevehamahangi.blogfa.com

komite.hamahangi@gmail.com

www.komitevehamahangi.com

30/4/1388

سرانجام پس از کش و قوس های فراوان و " تحمل شرایط بسیار سخت " و غیر قابل تحمل کار تحت کنترل خود کارگران و نمایندگان منتخب آنان ، عمدتاً به دلیل مشکلات فراوان - و در صدر آن عدم وجود نقدینگی لازم توسط کارگران ،جهت اداره کارخانه و جریان کامل تولید و توزیع محصولات آن و موانع عیدیه ای که ارگانها و نهاد های متعدد و رنگارنگ سرمایه داری و مدافع سرمایه - اعم از خصوصی و دولتی - در سر راه و مسیر خودپرو و مستقل کارگران این کارخانه ایجاد می نمودند، در مجموع به علت ناتوانی در ادامه کار و تولید در کارخانه، با توافق اکثریت قریب به اتفاق کارگران، در یکی از مجامع عمومی آن ، با شرایطی که در گزارش یکی از کارگران کارخانه ، در ذیل این مختصر منعکس شده است - به تنی چند از سرمایه داران فروخته شد .

کارگران در آخرین نشستی که با یکی از خریداران کارخانه داشتند، در نهایت با شرایط ذیل به توافق نهایی رسیدند: قیمت نهایی کارخانه 6500000000، معادل شش میلیارد و پانصد میلیون تومان تعیین شد. قرار شد طی فرایندی مجموعه بدهی کارخانه بصورت تقسیمی پرداخت گردد که بطور تقریبی معادل دو

میلیارد و چهار صد میلیون تومان می باشد و باقی مانده به مطالبات کارگری اعم از سنوات و حقوق کارگران ظرف دو سال آینده پرداخت گردد . اما از ویژگی های مهم واگذاری کارخانه به سهامداران جدید اینکه ، کارخانه به کار خود ادامه می دهد و هیچ کارگری در شرایط فعلی اخراج نخواهد شد.

البته استمرار کار و شرایط حاکم برآن برای ما کارگران از ارزش های خاصی برخوردار بوده است بدین معنی که بخشی از کارگران کارخانه در صورت ادامه کار می توانن مشمول طرح بازنشستگی پیش از موعد شوند و همچنین طرح